

متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و نهم سال پنجم درس خارج فقه القضا 23 اسفند ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان مسأله

به مناسبت بحث مصونیت قضایی و مدنی بحث کشیده شد به جایی که محل ابتلای ما روحانیون است و آن بحث مصونیت از ضمان در فتوای اشتباه یا نقل فتوای اشتباه یا عمل اشتباه است، مثل نائبی که در حج برای قربانی اشتباه عمل می کند یا وکیل که اشتبهاً عمل را انجام می دهد. حالا اجمالاً بحث در این است که آیا این ها از نظر ضمان (مدنی) مصونیت دارند؟ البته بحث مجازات در اینجا مطرح نیست و به اصطلاح مصونیت کیفری دارند.

در بحث گذشته از کتاب مناسک حج مرحوم امام خمینی (ره) یک مورد را مطرح کردیم به اینکه ایشان فرمودند: «اگر نایب (یا وکیل) (در عمل قربانی در حج) از روی اشتباه یا جهل، بر خلاف دستور عمل کند، اگر برای عمل اجرت گرفته است، ضامن است و الا معلوم نیست ضامن باشد و در هر صورت باید اعاده شود». البته علماء معاصر بر آن حاشیه زده بودند.

در اینجا آنچه که برای ما باعث تعجب شد این بود که خود مرحوم امام (ره) در دو مورد دیگر که مشابه اینجاست در یک مورد مطلقاً فرمودند ضامن است و در یک مورد مطلقاً فرمودند ضامن نیست.

مورد اول. مسأله 1118: بعضی از مدیران کاروان ها یا اشخاص خیر دیگر که برای قربانی از اشخاص پول می گیرند و احیاناً خودشان سر بریدن را یاد ندارند لذا قربانی ها را غیر مؤمن ذبح می کند، اولاً آیا از منوبٌ عنه مجزی است یا نه، و ثانیاً آیا نایب ضامن است یا خیر؟

جواب: قربانی مزبور کفایت نمی کند و کسی که پول را از منوبٌ عنه گرفته ضامن است (حالا می خواهد مدیر کاروان باشد یا شخص خیر باشد).

در اینجا می توان مدیر کاروان را به آن کسانی که پول گرفتند ملحق کرد (چون مدیر در اینجا پول می گیرد) و اشخاص خیر هم که پول دریافت نمی کنند. لذا به نظر ما آن تفصیلی که در صورت قبلی بیان کردند با این اطلاقی که اینجا بیان میکنند قابل جمع نیست.

مورد دوم. مسأله 1245: اینجانب شغلم حمله داری است؛ چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزء منا است با حاجی ها بیتوته نموده ام و سال های بعد فهمیدم و برآیم یقین حاصل شد جایی که سال های قبل بیتوته نموده ایم خارج از منا است، آیا کفاره بر اینجانب و همه حجاج واجب است یا نه؟

و در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفاره حجاج بر عهده خودشان است یا بر عهده من؟ و آیا ابلاغ به حجاج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد تکلیف چیست؟

جواب: کفاره ترك بیتوته خود شما بر شما واجب است، و کفاره دیگران بر شما واجب نیست و لازم نیست به آنان اعلام نمایید، و اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است؛ ولی اگر اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوتی دارد، نسبت به تفاوت باید رضایت حجاج تحصیل شود. انتهی.

در اینجا بحث ما در این جمله اخیر است که فرمودند «اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است»، اینجا چرا خود مدیر کاروان (که پول دریافت کرده) ضامن نباشد؟

ممکن است گفته شود این مدیر کاروان ضامن است لذا پول را به حاجی بدهد و بعد او کفاره اش را پرداخت کند.

به نظر ما اینطور موارد اصلاً بحث احسان نیست و احسان در مورد آن صادق نیست؛ لذا نظر ما این است که مستند است و حتی اگر این شخص پول هم نگرفته باشد (مثلاً خیر هم بوده باشد) ولی چون ضرر زده است پس ضامن است. از مواردی که در بحث مصونیت قابل مطرح است بحث ولیّ طفل است. در مورد ولیّ طفل یک بحث کلی است (و ربطی به حج و احرام ندارد). حالا بحثی که مطرح می شود در مورد خسارت هایی است که بچه یا شخص دیوانه وارد میکند، اینجا چه کسی ضامن آن است؟

یک بحث دیگر هم این است که آیا ولیّ مصونیت دارد، خصوصاً اگر دعوا شود آیا خسارت دیده می تواند از ولیّ شکایت کند؟ در عبارت متن مطلبی که ما ذکر کردیم آنجائی است که ولیّ بچه را محرم می کند و ممکن است این بچه بعضی از محرمات احرام را انجام دهد، اینجا آیا ولیّ مصونیت دارد؟

بعضی از اعلام مانند مرحوم امام خمینی (ره) می فرمایند ولیّ در صید ضامن است و در غیر آن بنا بر احتیاط واجب ضامن است. (و لذا ایشان مصونیت ولیّ را قبول ندارند).

عبارت: «بعد از اینکه طفل مُحرم شد اگر محرمات احرام را به جا آورد یا ولیّ او را از آن ها باز نداشت، کفاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل، بنا بر اقوی در صید و بنا بر احتیاط واجب در غیر آن نیز».

وجه تفاوت بین صید و غیر صید به این است که در صید اگر خطا هم باشد شخص ضامن است اما محرمات احرام در غیر صید وقتی کفاره دارد که عمدی باشد، مثلاً از دستش سهواً خون خارج شد این کفاره ندارد بلکه اگر عمداً باشد کفاره دارد. لذا نظر مرحوم امام (ره) به این است که در مورد صید چنین تفصیلی را نداریم و طفل هم که طفل است و در واقع سبب اقوی از مباشر می شود، بنابراین باید ولیّ کفاره را بپردازد اما در غیر صید چون عمدِ صبی حکم خطا دارد و سایر محرمات اگر خطا باشد کفاره ندارد، لذا کفاره ای بر طفل و ولیّش نیست، اما در مورد صید چون تفصیلی بین عمد و خطا نداریم (بلکه خطا در صید هم کفاره دارد) و به نظر ایشان چون ولیّ طفل را باز نداشته است و سبب اقوی از مباشر است بنابراین باید کفاره را او پرداخت کند.

به نظر می رسد در اینجا دلیل صید مطابق قاعده است و لذا ولیّ باید پرداخت کند اما در غیر صید اصلاً کفاره ای نیست، یعنی اینکه می گوید احتیاط واجب دلیل و وجهی ندارد.

اما حالا نسبت به سایر موارد دیگر که طفل بر مال غیر خسارت می زند حکم آن چیست؟

در اینطور موارد که بحث شارع در بین نیست بلکه بحث حق الناس است، در این صورت دیگر نمی توان بیان کرد عمد صبی خطاست، لذا اگر اتفاقی شیشه دیگری را بشکند او ضامن است؛ بنابراین اگر بچه مالی داشته باشد از مال او خسارت را پرداخت می کنند و اگر مالی نداشته باشد به نظر ما ولیّ ضامن نیست بلکه بچه هر وقت مالی پیدا کرد باید پرداخت کند. بله، اگر به نحوی باشد که کوتاهی ولیّ سبب شده باشد که این ضرر به دیگری وارد شود در این صورت او ضامن است.

اما در آنجایی که فقیه در فتوا اشتباه کند یا اینکه شخصی فتوا را اشتباه نقل کند حکم چیست؟

در اینجا یک روایتی را ذکر کردیم:

إِسْحَاقُ الصَّيْرَفِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبرَاهِيمَ عَ إِنَّ رَجُلًا أَحْرَمَ فَقَلَّمَ أَظْفَارَهُ فَكَانَتْ إِصْبَعٌ لَهُ عَلَيْهِ فَتَرَكَ ظُفْرَهَا لَمْ يَقْصَهُ فَأَفْتَاهُ رَجُلٌ بَعْدَ مَا أَحْرَمَ فَقْصَهُ فَأَدْمَاهُ قَالَ عَلَى الَّذِي أَفْتَى شَاءَ.

در این روایت اسحاق معتبر است اما سایر روایان بعضاً مشکل دارند. اسحاق می گوید به امام موسی بن جعفر (ع) عرض کردم مردی مُحرم شد و ناخنش را گرفت و یکی از انگشتانش که مشکل داشت را کوتاه نکرد. بعد نزد مردی رفت و او نظر داد به اینکه این ناخنش را کوتاه کند. او نیز آن ناخن را کوتاه کرد و از آن خون آمد. امام (ع) فرمودند: مفتی باید یک گوسفند کفاره بدهد.

الحمد لله رب العالمين